



کاروانسرای زغالی‌ها یکی از آثار برجای‌مانده از دوران قاجار در همدان که به مرور زمان تخریب و به حال خود رها شده است. عکس: ایمان حامی‌خواه، مهر



خبر

ایسلندی‌ها ۴ روز در هفته سرکار می‌روند
بی‌بی‌سی: پژوهشگران گفته‌اند که آزمودن الگوی اشتغال چهار روز در هفته در ایسلند «موفقیت چشمگیری» داشته است، به طوری که بخش زیادی از نیروی کار به ساعات کاری کمتر روی آورده‌اند.
آزمایش الگوی جدید در ایسلند بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ صورت گرفت که در آن نیروی کار ساعات کمتری را در ازای همان دستمزد کار می‌کردند.
پژوهشگران می‌گویند که میزان بهره‌وری در اکثر موارد ثابت ماند یا حتی بالاتر

رفت.
چندین آزمایش روی این الگوی کاری هم‌اکنون در جاهای مختلف دنیا در حال انجام است، ازجمله اسپانیا و شرکت بین‌المللی یونیلور در نیوزیلند.
در ایسلند، این آزمایش‌ها توسط شورای شهر ریکیاویک، پایتخت و دولت اداره شد و بیش از دوهزارو ۵۰۰ فرد شاغل در آن شرکت داده شدند، رقمی معادل حدود یک درصد کل جمعیت شاغل کشور.
پژوهشگران اندیشکده بریتانیایی «آتونومی» و انجمن دموکراسی پایدار «الداه گفته‌اند که اکنون بسیاری از شاغلان در ایسلند ساعات کاری‌شان از



زنجیره‌امید

پروژه‌های کودکی‌شان طرح‌هایبدنی‌یکشتم

مؤسسه خیریه بین المللی زنجیره امید

ارائه دهنده خدمات کیفی درمانی فوق تخصصی رایگان برای کودکان زیر ۱۸ سال مبتلا به بیماری های قلبی ، ارتوپدی و ترمیمی بدون در نظر گرفتن دین ، نژاد و ملیت

درمان بیش از ۱۴۰۰۰ کودک بیمار

در حال ساخت و بهره برداری از بزرگ ترین بیمارستان فوق تخصصی کودکان زنجیره امید



#*۷۳۳*۷۳۳*zanjirehomid



#*۷۳۳*۷۳۳*

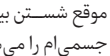
۰۲۱ – ۲۲۷۴۷۶۸۱

آدرس : میدان تجریش . خیابان فناخسرو . پلاک ۳۱



جشن خداحافظی برای باران، شامپانزه یتیم باغ‌وحش ارم

سوراخ دعا را کم کرده‌ایم



احمد دیبغیان

کارشناس ارشد محیط زیست

می‌گویند روزی فردی هنگام طهارت و وضو، داشته دعاهای مربوطه را می‌خواند. رسم است که موقع شستن بینی با آب می‌گویند «خدایا من بینی جسمی ام را می‌شویم، چنین باد که بینی روحی‌ام نیز پاک شود تا بوی بهشت به مشامم برسد.» هنگام شستن بدن پس از قضای حاجت می‌گویند: «خدایا کثافات جسمی را از خودم پاک کردم، چنین باد که پلیدی معنوی هم از من پاک گردد». آن فرد هنگام طهارت این دو دعا را جابه‌جا می‌خواند. در دور روز گذشته عکس و فیلم‌هایی دیدم از جنس شادی با هزینه‌کرد حداقل چندمیلیونی توسط یک باغ‌وحش برای انتقال یک بچه شامپانزه به مرکز نگهداری شامپانزه‌های یتیم در کنیا که از صدای فلاش عکاسان و ذوق و شوق آنها برای ثبت این لحظه تاریخی می‌توان فهمید که برای خروج این شامپانزه از کشور که مات‌ومیهوت با آن کلاه بوقی قرمز بر روی سرش، سنگ تمام گذاشتند.

کیکی تدارک دیده‌اند آن چنانسی و بادکنک و شفشفه و هزار تسم گوناگون برای این جشن که هزینه‌اش از کجا و چگونه تامین شده، خدا می‌داند. چهار سال برای گونه‌ای غیربومی هزینه شد و در پایان از کشور رفت و هزینه‌ای که اتلاف شد.

از سلبریتی، خبرنگار، عکاس، فعال‌های محیط زیست مخالف سازمان حفاظت محیط زیست تا کارشناس‌های سازمان محیط زیست، عکس‌های این جشن را با افتخار در پیج‌های شخصی خودشان منتشر کردند و به‌به و چه‌چه گفتند که بیا و ببین که چه کردیم و باران را به یتیم‌خانه هم‌سن‌سالانش فرستادیم. راه دوری نمی‌رویم، برمی‌گردیم به اخبار محیط زیست در دو هفته گذشته «یک پلنگ در خراسان رضوی با ضربات مرک‌بار دو جوان ناکاه مصدوم شد و پس از چند روز مداوا تلف شد»، «سگ‌های گله در جزیره هرمز یک جیب‌ر اکشند»، «تعداد زیادی ماهی بر اثر برداخت‌نشدن حقایه تالاب هورالعظیم تلف شدند»، «یک قلاوه خرس قهوه‌ای در کوه‌های سلبان در حال خوردن پسماند غذایی کوه‌نوردانی که برای گرفتن عکس یادگاری توقف کرده‌اند، دیده می‌شود» و «صیادان پرندگان شکاری مورد علاقه شیوخ عرب برای قوش‌بازی در استان گلستان دستگیر شدند»؛ اینها گزیده‌ای از اخبار این دو هفته است که عنوان می‌شود اما آیا فعالان فضای مجازی به هیچ‌کدام از اینها مانند انتقال یک بچه شامپانزه بها داده‌اند.

فضای مجازی جایگاه افراط و تفریط است. نگاه می‌کنیم به یک سلبریتی که چه می‌گوید و حتی یک دودوتا چهارتای ساده را نذاریم و همان مطلب را عینا اکثرا با آب‌وتاب بیشتر منتشر می‌کنیم و مخالفان را تا سرحد نهایت می‌گوییم؛ اینکه چرا و چگونه جای تفکر دارد.

مطلبی می‌خوانم از سپهر سلیمی، یکی از فعالان حوزه حیات وحش که می‌گفت خوش به حال باران شامپانزه باغ‌وحش ارم که یک سلبریتی بود برای خودش در بین حیوانات درنبد باغ‌وحش و خوشا که رفت از ایران. نکته قابل بحث این است که با راه‌اندازی کارزار و جمع‌آوری امضا که این روزها مد شده است توانستند که شامپانزه باغ‌وحش ارم را به مرکز نگهداری شامپانزه‌ها در کنیا بفرستند؛ شامپانزه‌های که به‌دنیا‌مدنش از روز اول اشتباه بود؛ چون که از لحاظ اکولوژیکی هیچ ارزشی برای طبیعت ایران ندارد و تنها یک گونه باغ‌وحشی صرف است. آنها که رگ گردنشان برای این شامپانزه متورم شده و این‌همه امضا جمع کردند و سرود ششادمانه سردادند آیا حاضرند که برای حیات وحش و تنوع زیستی ایران که هر روز در حال تهدید و نابودی است، گریبان چاک داده و امضا‌های متعدد جمع کنند؟

برای خروج باران شامپانزه باغ‌وحش ارم که یک گونه باغ‌وحشی است و بدون ارزش اکولوژیکی برای کشور، از ایران و تحویل به یتیم‌خانه‌ای در کشور آفریقایی محل زندگی اصلی این حیوان خوشحالیم اما یادمان باشد این‌قدر چالش مهم محیط‌زیستی داریم که انتقال شامپانزه در برابر آنها بشیزیر به حساب نمی‌آید.

بعضی از فعالان فضای مجازی که از آنها به سلاطین کیبورد نام برده می‌شود، در رزومه کاری‌شان حتی بازدید از یکی از مناطق محیط زیست کشورمان دیده نمی‌شود، با ایجاد موج احساسی کمپین‌های متعدد تشکیل داده و کارزار امضا را در صفحات خود به نمایش می‌گذارند؛ حال اینکه همه این رفتارها احساسی بوده و آنها سوار بر موجی هستند که منجر به فراموشی هدف اصلی که آن هم حفاظت از زیست‌بوم سرزمین ایران است، می‌شوند. این قصه سر دراز دارد؛ ولی به قول دوستی که می‌گفت در ناامیدی هم یک امید وجود دارد، امید آن می‌رود که سوراخ دعا را کم نکنیم و بتوانیم با استفاده از قدرت فضای مجازی که درواقع به‌نوعی حقیقتی است که در آن زندگی می‌کنیم، از زیست‌بوم عزیز ایرانمان که در نوع گونه‌های فون و فلور دنیا بی نظیر است، حمایت و حفاظت کنیم؛ به مصداق مثال «چراغی که به منزل رواست به مسجد حرام است».



ترکیب اشتغال در بخش‌های اقتصادی

به وسایل صرفه‌جویی‌کننده در کارهای خانه، درآمد جاری خانوار، درآمد مطلوب خانوار، نیاز مالی فرد، نیاز به استقلال مالی، نیاز اجتماعی، زمان در دسترس برای کار، سرانه هزینه زندگی، هزینه نیروی کار زن، باورهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نسبت به اشتغال زنان، قوانین کار به نفع زنان، متوسط درآمد زنان و مردان، جمعیت مردان در سن کار، شاغل و جوانای کار.

بدیهی است که برای طراحی و اجرای هر سیاستی توسط سیاست‌گذار که با هدف افزایش مشارکت اقتصادی زنان باشد، باید به پارامترهای بالا که بعضا ممکن است آشکار هم نباشند، توجه شود. اگر سیاستی به دنبال بهبود نرخ مشارکت اقتصادی زنان باشد، باید به اصلاح ریشه‌های پیدایش این مشکل بپردازد. زنان جهت افزایش نرخ مشارکت خود نیازمند دیدن تغییرات ملموس و قابل سنجش در بازار کار هستند. سیاست تبعیض مثبت یا الزام کارفرمایان به استخدام درصد فزاینده‌ای از زنان، اگرچه مشکلات خاص خودش را دارد ولی در مقطعی و برای برخی مناطق توصیه می‌شود.

تبعات جبران‌ناپذیر کاهش مشارکت زنان در بازار کار

کشور مهم‌ترین ضربه را از کاهش سرمایه انسانی خواهد خورد. منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهد. کشوری که نتواند مهارت‌ها، دانش و ادراک مردم را گسترش دهد و از آن در اقتصاد به نحو مؤثر استفاده کند، قادر به توسعه نخواهد بود. درحالی‌که زنان بیش از نیمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشور را در دهه اخیر به خود اختصاص داده‌اند، این سرمایه انسانی عظیم می‌تواند در بالابردن سطح تولید و بهره‌وری و رشد و توسعه کشور نقش داشته باشد. سرمایه‌های ملی کشور در آموزش عالی برای توسعه سرمایه انسانی کشور به کار گرفته می‌شود. اگر این انباشت سرمایه انسانی قابل استفاده مفید و مثرتر در اقتصاد کشور نباشد، همانا با دورریختن منابع مالی کشور در آموزش عالی مواجه هستیم. توجه به وضعیت اشتغال زنان و هدایت آنها به بازار کار می‌تواند زمینه بهره‌گیری بهتر جامعه از این نیروی بالقوه و دستیابی به توسعه کشور را فراهم آورد؛ بنابراین هدررفت سرمایه ملی که جهت آموزش دانشگاهی دختران مصرف شده، اولین ضرر مشهود برای اقتصاد است.

زنانی که ناامید از یافتن شغل مناسب و افزایش رفاه و درآمد خانوار، تحصیلات و توانایی‌های خود را به اجبار به فراموشی می‌سپرنند و فقط به وظایف خانه‌داری سنتی و احیانا فرزندپروری می‌پردازند، شاد نیستند. یکی از عوامل مؤثر در میزان شادکامی افراد، داشتن رضایت از همه جوانب زندگی است و زندگی حرفه‌ای موفق بسیار در سطح شادی پایه افراد اثرگذار است. مادران و همسران ناشاد، با گسترش روحیه منفی در خانوار به صورت ناخوسته سبب کاهش بهره‌وری مجموعه خانوار و در نهایت مجموع نیروی کار کشور خواهند شد. مطالعات نشان می‌دهند که کاهش شادکامی با کاهش بهره‌وری توأمان است. این کاهش بهره‌وری کارایی اقتصاد را به صورت مستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهد. در سایر کشورهای عمدتا توسعه‌یافته امروزه مشوق‌های استخدایم و قوانین حاکم و نیز پیشرفت تکنولوژی سبب سهولت کار زنان و کاهش مسئولیت‌های سنتی آنها شده است و این‌گونه از هدررفت سرمایه انسانی کشور جلوگیری می‌شود. یکی دیگر از مضرات اقتصادی کاهش زنان در نیروی کار را می‌توان افزایش میزان مهاجرت دختران نخبه از کشور دانست. آمارها حکایت از افزایش چشمگیر مهاجرت زنان تحصیل‌کرده در دهه اخیر دارد و این سبب کاهش سرمایه انسانی و در نهایت کوچک‌ترشدن ظرف اقتصادی کشور می‌شود. با تمرکز بیشتر بر هدف اصلی و بنیادی اقتصاد که افزایش رشد اقتصادی است و دوری جستن از نگاه سنتی و متعصبانه به زن می‌توان بسیاری از موانعی را که از دید سیاست‌گذار پنهان مانده، در اقتصاد مرتفع کرد و به رشدهای اقتصادی مطلوب‌تری رسید.



زیر آسمان جهان

متجاوز مقصر است نه بازمانده
فورا عذرخواهی کن!

این‌چنینی مانند حرف‌های عمران خان پرورش یافته است. این دیدگاه باعث تقویت کلیشه‌هایی می‌شود که بازماندگان خشونت جنسی را زنانی توصیف می‌کنند که از عواقب نوع لباس پوشیدن خود آگاه‌اند و مردان متجاوز را مردانی درمانده و ناگزیر از تجاوز می‌دانند». «مریم نواز»، نایب‌رئیس اتحادیه مسلمانان پاکستان در نواز و دختر «نواز شریف»، نخست‌وزیر سابق گفته که عمران خان مدافع متجاوزان است و افرادی که تجاوز را تایید می‌کنند، همان طرز فکر متجاوزان را دارند. «کانوال احمد»، یکی از فعالان حقوق زنان هم در توییتی نوشت: «وقتی فکر می‌کنم که بسیاری از متجاوزان با این اظهارات نخست‌وزیر احساس معتبربودن می‌کنند، قلبم می‌لرزد».

دیده‌بان آزار؛ عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان، پس از آنکه چند ماه پیش بازماندگان تجاوز را به دلیل پوشیدن لباس‌های غریب‌پوشیده مقصر دانسته و اظهاراتش انتقادهای زیادی را برانگیخته بود، چند روز پیش با تاکید بر موضع خود، انتقادها را مزخرف دانست و گفت زنان باید مواظب برانگیختن وسوسه مردان باشند. بعد از این اظهارات عمران خان، صدها نفر، از جمله بیش از ۱۶ گروه مدافع حقوق زنان، بیانیه‌ای را امضا کردند و در آن اظهارات او را نادرست و خطرناک خواندند و خواهان عذرخواهی او شدند. در این بیانیه آمده است: «تقصیر فقط متوجه شخص متجاوز و سیستم و فرهنگی است که متجاوز را قادر به چنین کاری می‌کند. فرهنگی که با اظهارات



سپیده کاوه

رشد تکنولوژی که ناشی از افزایش روند صنعتی شدن است، باعث تغییر ساختار شغلی، فرصت‌های تحصیلی و ترکیب خانواده در اقتصاد شده است. اقتصاد جدید همراه با صنعتی شدن موجب ایجاد صنایع خدماتی و رشد اشتغال زنان شده است.

بررسی اشتغال زنان از مسائل عصر جدید است. کوچک‌شدن خانواده، افزایش سطح دانش، بهبود وضع بهداشتت و گسترش مباحث آزادی و ارتقای حقوق زنان، زمینه‌ساز این امر بوده است. توسعه، به‌ویژه در زمینه اقتصادی از چالش‌های اساسی پیش‌روی اغلب جوامع است. توجه به وضعیت اشتغال زنان و هدایت آنها به بازار کار می‌تواند زمینه بهره‌گیری بهتر جامعه از این نیروی بالقوه و دستیابی به توسعه را فراهم آورد.

در ایران به طور متوسط از هر صد نفر شاغل در کشور، ۵۰ نفر در بخش خدمات، ۳۳ نفر در بخش صنعت و ۱۷ نفر در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند. مقایسه سهم اشتغال مردان و زنان در این سه بخش اقتصادی نشان می‌دهد سهم اشتغال زنان در بخش‌های خدمات و کشاورزی بیشتر از مردان و در بخش صنعت کمتر از مردان است. از هر صد زن شاغل در کشور، تقریبا ۵۱ نفر در بخش خدمات، ۳۰ نفر در بخش صنعت و ۱۹ نفر در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند.

اتفاقی که در دهه‌های اخیر در بازار کار ایران افتاده این است که عمدتا زنان با ناامیدی از یافتن شغل مناسب و دیگر علل نهادی، ساختاری و سنتی از ورود به بازار کار امتناع ورزیده‌اند و به اشتغال به تحصیل یا خانه‌داری پرداخته‌اند و این امر با وجود کم‌شدن درصد شاغلان زن در جمعیت زنان سبب کم‌شدن درصد بی‌کاری هم شده است. حال زمانی که به اشتغال به تحصیل و کسب مدارک دانشگاهی پرداخته‌اند، پس از اتمام تحصیل، خواستار ورود به بازار کار می‌شوند. طبق پژوهش منتشرشده مؤسسه عالی آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی، زنان با احتمال ۷۵ درصد نمی‌توانند شغل مدنظر خود را پیدا کنند. این احتمال برای مردان ۵۰ درصد محاسبه شده است.

این یکی از دلایلی است که سبب تغییر ساختار بازار کار در پنج سال اخیر و افزایش مشاغل خویش‌فرما، غیررسمی و غیراستخدامی برای زنان شده است.

بررسی وضعیت مشارکت زنان در بازار کار

اساسا نرخ مشارکت اقتصادی در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان پایین‌تر است. درحالی‌که به طور میانگین در جهان از هر صد نفر، ۶۱ نفر شاغل یا در جست‌وجوی کار هستند، این تعداد در ایران ۴۴ نفر است. در این میان، وقتی به مشارکت اقتصادی زنان نگاه می‌کنیم، تنها از چند کشور وضعیت بهتری داریم. عرضه نیروی کار زنان در سطح استان‌ها نیز بسیار محدود است تا جایی که در برخی استان‌ها کمتر از ۱۰ درصد زنان به لحاظ اقتصادی فعال‌اند. شاخص (سهم مشارکت زنان در کل نیروی کار) در ایران به نسبت اعداد جهانی و نیز کشورهای آسیای میانه، در تمامی سال‌ها در وضعیت مناسبی قرار نداشته است. سایر شاخص‌ها نیز ازجمله شاخص‌های «نسبت زنان به مردان در بازار کار» و «درصد حضور زنان در بازار کار به نسبت جمعیت زنان ۱۵ساله و بیشتر» در ۱۵ سال اخیر نیز روند کاهشی داشته‌اند.

عوامل اثرگذار بر میزان مشارکت اقتصادی زنان و کارایی سیاست‌گذاری‌ها جهت افزایش آن عوامل فراوانی هستند که در میزان اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان مؤثرند؛ ازجمله وجود انگیزه کافی برای شاغل‌شدن و احساس نیاز به شغل، احتمال موفقیت، احتمال یافتن شغل، سطح متوسط شایستگی‌های زنان برای کار، تجربه کاری، سطح تحصیلات، زمان تخصیص‌یافته به تحصیل، زمان صرف‌شده برای کار بدون مزد در منزل، دسترسی